



مطالعه نقش مار در ادبیات پارسی با تمرکز بر اشعار کهن پارسی

مریم شامخی امیری^۱، نادیا معقولی^۲

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر، موسسه عالی طبری

۲- دکترای پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

مار در ادبیات پارسی یکی از نمادهای مهم به شمار می‌رود. تا جایی که حتی در ضرب‌المثل‌های روزانه نیز از آن استفاده می‌شود و با زندگی روزمره مردم در آمیخته. در گذشته دور مار نقش خباثت و دشمنی نیست و گاه نقش خدایی دارد. در ادبیات شاعران بزرگ پارسی چون مولانا، فردوسی، خیام، حافظ ... نیز بارها با معانی متفاوت استفاده شده است. هدف از این پژوهش بررسی نقش مار در زبان و ادبیات پارسی با تمرکز بر اشعار کهن پارسی است. برای این منظور برای بررسی ادبیات پارسی از شاعرانی چون مولانا، شاهنامه فردوسی، حافظ، فایز دشتستانی، اساطیر و ادبیات پارسی، به تطبیق آنها پرداخته می‌شود. سؤال مطرح شده مار در اشعار به چه معنایی به کار رفته است؟ روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیلی محتوا و نیز کتابخانه‌ای اسنادی و می‌دانی با استفاده از منابع مدون موجود و تجزیه و تحلیل داده‌ها و نمونه‌ها بوده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که نماد مار در ادبیات گاه جایگاه خدایی و پرستش و مفاهیمی همچون باروری، برکت، آب، حاصلخیزی را در برداشته است. کم‌کم شاهد تغییر بار معنایی مار هستیم تا جایی که بسیار کم‌رنگ شده است و جایگاه زبان برنده و موی معشوقه و اخلاق بد یار را گرفته است. دلیل این تغییر معنایی مار از خیر به شر آن هیچ‌گاه مشخص نشده است. ممکن است دلیل این تغییر جایگاه، مربوط به دین یا تغییر شرایط آب‌وهوایی منطقه باشد. این پژوهش به سؤالات مطرح شده در این خصوص پاسخ داده است.

واژگان کلیدی: تحلیل تطبیقی، نماد مار، مار، ادبیات پارسی

^۱ پژوهش حاضر مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد.